



دانشگاه شهید بهشتی

بازتاب فرهنگ ایران باستان  
در منظومه ویس و رامین

پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد غلامرضایی

استاد مشاور:

آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

استاد راهنما: دکتر محمد غلامرضایی

پژوهش و نگارش  
فروغ اولاد

۱۳۸۸/۱۱/۶

۱۳۸۸

۱۳۰۲۵۱

در تاریخ ۲۳/۶/۸۳  
با شماره ۱۸۱۷۵  
استاد راهنما: دکتر غلامرضایی  
۱۳۸۸/۱۱/۶

## فهرست مطالب

چکیده / ۴

مقدمه / ۶

۱. معرفی موضوع / ۶

۲. پرسش‌های تحقیق / ۹

۳. فرضیه‌ها / ۹

۴. پیشینه تحقیق / ۱۰

۵. ضرورت تحقیق / ۱۱

### فصل اول: کلیات / ۱۳

۱. شرح حال شاعر / ۱۴

۲. بررسی منابع / ۱۸

۳. معرفی منظومه ویس و رامین / ۴۸

۴. نسخه‌های خطی منظومه / ۵۲

۵. سبک منظومه / ۵۳

۶. روایتی از داستان ویس و رامین / ۵۸

### فصل دوم: عناصر فرهنگ ایران باستان در منظومه ویس و رامین / ۷۴

۱. اشارات کلی به فرهنگ ایران باستان / ۷۵

۲. آتش و آتشکده‌ها / ۸۷

۳. شخصیت‌های اساطیری - حماسی (سروش / اهریمن / جمشید / زال و رستم / ضحاک /

فریدون / کیخسرو / آرش کمانگیر) / ۹۳

۴. آزمایش وز یا سوگند خوردن / ۱۳۲

۵. تقویم ایرانی: نام ماه‌ها و روزهای هر ماه و جشن‌های ایرانی / ۱۴۴
۶. خوددَس یا ازدواج با محارم / ۱۵۴
۷. سنت گوسانی یا رامشگری / ۱۵۷

فصل سوم: بررسی و تحلیل / ۱۶۷

۱. بررسی و تحلیل عناصر فرهنگی ایران باستان در ویس و رامین / ۱۶۸
۲. بررسی ویژگی‌های ممتاز منظومه ویس و رامین / ۱۹۶
۳. نتیجه‌گیری / ۲۰۹

فهرست منابع و مآخذ / ۲۱۴

چکیده انگلیسی / ۲۱۹

## چکیده

منظومهء ویس و رامین سرودهء فخرالدین اسعد گرگانی، از آثار منظوم داستانی اواسط قرن پنجم هجری است که منشأ داستانی و روایی آن به دوران پیش از اسلام می‌رسد. روایات و داستان‌های ملی روزگار باستان که بسیاری از آنها از جمله ویس و رامین بعد از اسلام به فارسی درآمده‌است، بر ادبیات فارسی تأثیر فراوان گذارده است. عناصر فرهنگ ایران باستان در این منظومه عبارتند از: زرتشت و عناصر زرتشتی مانند آتش، آتشکده، ایزدانی چون میترا، سروش، امشاسپندان و فره ایزدی و همانند آن. به اساطیر باستانی چون اسطورهء ضحاک و آرش کمانگیر در ویس و رامین نیز اشاره شده است. عناصر دیگر فرهنگ باستان مانند آزمایش ور یا سوگند خوردن، خوددس یا ازدواج با محارم در زمرهء موضوعات مهم این منظومه است که بررسی و تحلیل شده است. جشن‌های باستانی چون جشن مهرگان و جشن نوروز بدان گونه که فخرالدین گرگانی وصف کرده است، و همچنین بررسی روزهای ماه بر طبق گاهشماری ایران باستان مانند هرمزد روز، مهر روز، تیر روز و غیره جزو مباحث دیگر این پایان‌نامه است. همچنین سنت گوسانی موضوع مهم دیگری است که در ویس و رامین مطرح گردیده و دست کم سابقه آن را در دوره اشکانی و ساسانی نشان می‌دهد. گوسانان شاعر- نوازندگان بودند که سنت حماسی و غنایی ایران باستان را غنا بخشیده‌اند. مضامینی از این دست را فخرالدین اسعد گرگانی در منظومهء ویس و

رامین در خلال داستان‌سرایی و در بخش‌های مختلف که صحنه‌هایی از ماجرای ویس و رامین را به تصویر می‌کشد، آورده است.

**کلید واژه‌ها:** ویس و رامین، گوسان‌ها، فرهنگ ایران باستان، زرتشت و عناصر زرتشتی، اساطیر ایرانی.

۱. معرفی موضوع

منظومه ویس و رامین سروده پارسى گوی توانای اواسط قرن پنجم هجرى، فخرالدین اسعد گرگانى، در زمره آثار منظوم داستانى مشهورى است که سرچشمه داستانى و رواى آن به دوران پیش از اسلام برمی گردد. سده‌هایی بعد از اسلام، شاعران پارسی زبان در دربار پادشاهان و امیران شیفته به نظم در آوردن آثار داستانى و قصه‌ها و افسانه‌های باستانى بودند، چون بیشتر این آثار به زبان پهلوى بود و در این دوران، پهلوى رو به فراموشى نهاده شده بود.

دکتر محمد جعفر محجوب در این باره نوشته است: «یکی از آرزوهای سخن‌سرایان به نظم آوردن روایت‌ها و داستان‌های ملی ایران بود که بر اثر فراموش شدن زبان پهلوى، بیم زوال آن می‌رفت... تا پیش از سال ۴۴۶ هجرى قمرى که موضوع گفتار ماست، در زبان فارسى چندین مثنوى حماسى و عشقى و جز آن پدید آمده بود.<sup>۱</sup> هجده مثنوى مانند کلیله و دمنه، سندهادنامه، شادبهر و عین‌الحیات، وامق و عذرا، سرخ بت و خنگ بت و غیره که داستان‌های ملی و روایات محلی بوده در چند قرن آغازین پس از اسلام به شعر فارسى درآمد که بر جای نمانده و تنها بیت‌هایی پراکنده از آنها در

۱. محجوب، محمد جعفر، (مصحح)، ویس و رامین، تهران، ۱۳۳۷، ص ۷.

فرهنگ‌ها و کتاب‌های دیگر می‌توان یافت.<sup>۱</sup>

یکی از منظومه‌های عاشقانه و داستانی و در عین حال پندآمیز نیمه اول قرن پنجم هجری که از حوادث زمانه سالم ماند، ویس و رامین فخرالدین گرگانی است. این اثر شگرف و خواندنی حاوی یکی از داستان‌های روزگار باستان است که برخی از دانشمندان پیشینه‌اش را به روزگار اشکانی رسانده‌اند.

ولادیمیر مینورسکی نوشته است که «تعیین دقیق این که ویس و رامین به چه زمانی مربوط است، امری دشوار است. اشکانیان در حدود پنج قرن (۲۴۷ پ. م. تا ۲۲۴ م) بر ایران فرمانروایی کردند. جانشینان آنان یعنی ساسانیان، بیش از آنچه عباسیان با امویان کردند، در از میان بردن خاطره و تاریخ آنان کوشیدند. صفت ممیز یک منظومه عاشقانه با ستایش پهلوانان و پهلوان دوستی (در شاهنامه) مابین است و داستان در جریان نقل از پهلوی به فارسی (چنان که فخر گرگانی در مقدمه بدان اشاره می‌کند) و تهذیب و تنقیح، بسیاری از اختصاصات خود را از دست داده و دگرگونی‌های فراوان در آن راه یافته است.

با این همه، چنین می‌نماید که داستان مربوط به شاخه حکمروایان پارتی باشد که گودرز دوم (۳۹-۵۱ م) آن را بنیاد گذارد.<sup>۲</sup> ما بعدها به سرچشمه‌های اشکانی و ساسانی آن خواهیم پرداخت. به هر حال، منظومه ویس و رامین در حدود سال ۴۴۶ ه. ق. یا اندکی پس از آن سروده شده است. یکی از دلایل آن این است که شاعر در مقدمه، ابونصر کندری را ستوده است و این شخص

<sup>۱</sup> همان‌جا، ص ۷.

<sup>۲</sup> مینورسکی، ولادیمیر، «ویس و رامین: داستان عاشقانه پارتی»، ترجمه مصطفی مقربی، تهران، ۱۳۳۳، ص ۴۲۳.

در سال ۴۴۶ ه. ق. به منصب وزارت طغرل رسیده بود. از این گذشته، در مقدمهء ویس و رامین به بعضی از وقایع تاریخی اشاره شده است. این وقایع تمام مربوط به دوران پادشاهی طغرل بک است که میان سال های ۴۳۱ تا ۴۴۶ ه. ق. اتفاق افتاده است. از جمله شاعر به بیرون رفتن طغرل از اصفهان و سفر وی به همدان اشاره می کند:

پس آنکه رنج خویش از شهر برداشت      برفت و شهر بی آشوب بگذاشت  
که رفتن صفاهان داد آن را      که از راه نیست بختش صد جهان را  
ابوالفتح آفتاب نامداران      مظفر نام و تاج کامگاران

(۲۲-۲۳ و ۲۰/۵)

اگر هم فرض کنیم شاعر مقدمهء داستان را پس از سرودن تمام آن پرداخته، باز هم باید آن را در سال ۴۴۵ ه. ق. قریب ماهی پس از رفتن طغرل از اصفهان آغاز کرده و در مهرگان سال بعد به پایان آورده باشد. زیرا می دانیم که وی این کتاب را به رسم هدیهء مهرگانی به ابوالفتح مظفر بن محمد تقدیم داشته است:

نثارت آوریدم مهرگانی      روان چون آب چشمهء زندگانی  
بدین جشنت نیاورد ایچ کهتر      نثاری از نثار بنده مهتر  
به فرمانت بگفتم داستانی      ز خوبی چون شکفته بوستانی

(۱۰۴-۱۰۲) ۵

بدون تردید، منظومهء ویس و رامین سرشار از عناصر فرهنگی ایران باستان است و این موضوع



اصلی ما در این پایان نامه است. مضامینی چون عناصر آیین زرتشت، ایزدان زرتشتی، شرح آتشکده‌ها، جشن‌های ملی، شخصیت‌های اساطیری و حماسی و همانند آن که در منظومه ویس و رامین آمده‌اند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

## ۲. پرسش‌های تحقیق

این پایان‌نامه پس از بررسی منابع موجود پیرامون داستان کهن ویس و رامین و منظومه فارسی آن سروده فخرالدین اسعد گرگانی و عرضه نظر محققان سعی دارد به پرسش‌های تحقیقی زیر

پاسخ دهد:

۱. آیا عناصر فرهنگ ایران باستان در منظومه ویس و رامین تأثیر گذارده است؟

۲. بر اساس کدام قرینه‌ها، می‌توان ویس و رامین را بازمانده از ایران باستان دانست؟

۳. مهم‌ترین عناصر فرهنگ ایران باستان در این منظومه کدامند؟

## ۳. فرضیه‌ها

فرضیاتی که مبنای این پژوهش بوده عبارتند از:

۱. اشارات شاعر در مقدمه داستان، پاره اشارات تقویمی، اشاراتی که در منابع دیگر درباب ویس

و رامین هست و ساختار فرهنگی حاکم بر منظومه دلیل بر آن است که ویس و رامین یادگاری از

ایران قبل از اسلام است.

۲. دست کم دو گروه از عناصر فرهنگ ایران باستان در این منظومه قابل تشخیص است: الف.

عناصر کهن اساطیری ب. شخصیت‌های حماسی. علاوه بر اینها، عناصری نیز از اساطیر و فرهنگ ایران باستان در منظومه هست که می‌توان آنها را از باب تلمیحات و افزوده‌های شاعر دانست.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم که نخست از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر محمد غلامرضایی که در طول تحصیل و همچنین در طول دوران نگارش پایان‌نامه از راهنمایی‌های گرانبقدر و ارزشمند ایشان استفاده کرده‌ام، از صمیم قلب سپاسگزاری کنم.

از استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، که در بخش‌های تحلیلی فرهنگ ایران باستان بخصوص در معرفی منابع موجود در این حوزه، از راهنمایی‌های با ارزش ایشان بهره‌مند شده‌ام، سپاسگزاری می‌کنم.

در پایان از مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، جناب آقای دکتر کاظم دزفولیان، و استادان محترم این گروه که در طول سه سال گذشته از کلاس‌ها و بحث‌ها و راهنمایی‌های سودمند آنان بهره‌گرفته‌ام، تشکر می‌نمایم و حاصل زحمات آنان را ارج می‌نهم.

#### ۴. پیشینه تحقیق

نخستین پژوهندگانی که به عناصر فرهنگ ایران باستان در منظومه ویس و رامین پرداخته‌اند عبارتند از: ولادیمیر مینورسکی، استاد فروزانفر، صادق هدایت، مجتبی مینوی، دکتر محمد معین و دکتر محمد جعفر محجوب. مینورسکی مقاله ارزشمندی در این باره نوشته است با عنوان "ویس

و رامین: داستان عاشقانه پارتی" و بازتاب فرهنگ ایران باستان را در این منظومه کاویده است. استاد فروزانفر نیز در سخن و سخنوران، ابعاد باستانی منظومهٔ فخرالدین گرگانی را بررسی کرده است.<sup>۱</sup>

دکتر معین در مزدینا و ادب پارسی و نیز در مقاله‌ای در مجموعه مقالاتش، چندین مضمون مهم از فرهنگ ایران باستان را در این منظومه بررسی و تحلیل کرده است.<sup>۲</sup>

صادق هدایت در نوشته‌های پراکنده مقاله‌ای دارد با عنوان "چند نکته در باره ویس و رامین" و در آن، ریشه‌های باستانی این منظومه را با دقت و موشکافی خاصی بررسی و تحلیل کرده است.<sup>۳</sup>

استاد مجتبی مینوی در مقاله‌ای با عنوان "ویس و رامین"، مطالب مهمی را در باره مشخصه‌های ایران باستان در این منظومه مطرح کرده است.<sup>۴</sup>

دکتر محمد جعفر محجوب در تحقیقی مفصل و ارزشمند، منظومه ویس و رامین را تحلیل کرده و در بخش‌های مختلف مقدمه مبسوط خود، به عناصر مهم فرهنگ ایران باستان پرداخته و چگونگی تاثیر آنها را کاویده است.<sup>۵</sup> ما در فصل بعد به طور مشروح این منابع را بررسی خواهیم کرد.

۱. مینورسکی، ولادیمیر، بیست مقاله، تهران، ۱۳۵۰. فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، تهران، ۱۳۵۸.

۲. معین، محمد، مزدینا و ادب پارسی، ج ۲، تهران، ۱۳۶۳ و مجموعه مقالات، تهران، ۱۳۶۴.

۳. هدایت، صادق، نوشته‌های پراکنده، تهران، ۱۳۸۵.

۴. مینوی، مجتبی، "ویس و رامین"، مجله سخن، سال ۶، شماره ۱.

۵. محجوب، محمد جعفر، مقدمه ویس و رامین، تهران، ۱۳۳۷.

## ۵. ضرورت تحقیق

در همه آثار فوق الذکر، هرچند به عناصر فرهنگ ایران باستان پرداخته شده، اما هیچ یک از آن آثار ارزشمند به طور مستقل موضوع بازتاب فرهنگ ایران باستان را بررسی و تحلیل نکرده اند. از این رو، انجام تحقیقی مستقل صرفاً در باره تأثیر فرهنگ پیش از اسلام بر منظومه ویس و رامین ضروری بود تا تک تک عناصر فرهنگ ایران باستان که به نحوی در این منظومه تأثیرگذار بوده اند، بررسی و تحلیل شوند.

فصل اول:

کلیات

### ۱. شرح حال شاعر

از سراینده منظومه ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی اطلاع چندانی در دست نیست. شاعر حتی نام خود را در منظومه نیاورده است و از زندگی خود اطلاعاتی ناچیز به دست داده است. تذکره نویسان نیز درباره او چیزهای زیادی ننوشته‌اند. محمد عوفی در *لباب الالباب* از او با نام *الحکیم الکامل فخرالدین اسعد الجرجانی* یاد کرده و او را از امثال شعرای جهان دانسته است. مندرجات تذکره دولتشاه سمرقندی نیز درباره ویس و رامین اطلاع درستی نمی‌دهد. اما به هر حال، صحت انتساب ویس و رامین به فخرالدین گرگانی در حکایتی در *الهی‌نامه* شیخ عطار، مؤید گفتار عوفی و امین احمد رازی و صاحب *کشف الظنون و مجمع الفصاحست*<sup>۱</sup> برای روشن کردن زندگی تاریک و مجهول فخرالدین اسعد تنها راه، مطالعه ویس و رامین و بیرون آوردن نکاتی است که می‌توان معلوماتی اجمالی درباره او از آنها به دست آورد.

<sup>۱</sup> رک. محجوب، محمد جعفر، ویس و رامین، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۱.

شاعر هنگام سرودن ویس و رامین، یعنی در حدود سال ۴۴۶ ه. ق.<sup>۱</sup> جوان بوده و به یقین بیش از چهل سال نداشته است:

چو این نامه بخوانی ای سخن‌دان      گناه من بخواه از پاک یزدان  
بگو یارب بیامرز این جوان را      که گفتست این نگارین داستان را

ویس و رامین (۲۴-۲۳/۶۵)

و پیش از آن که سرودن این داستان را آغاز کند، دل در گرو مهرِ دل‌بندی داشته و از او جز اندوه و ناکامی ندیده است.

فخرالدین گرگانی در جوانی از زادگاه خود، استراباد یا گرگان در سال ۴۴۳ ه. ق. در رکاب طغرل بیک به اصفهان رفت و در خدمت او بود، اما ظاهراً کاری برایش در آن شهر پیش آمد و هنگامی که طغرل از اصفهان به کوهستان همدان می‌رفت، وی در اصفهان ماند و ابوالفتح مظفر بن محمد حاکم اصفهان از جانب طغرل، سرودن ویس و رامین را به او تکلیف کرد و او نیز آن را پذیرفت.

اما معلوم نیست فخرالدین بعد از ماندن در اصفهان، که کمتر از یک سال طول نکشیده، و پس از به نظم کشیدن ویس و رامین چه کرده یا به کجا رفته و چه هنگام وفات یافته است.

آنچه از مقدمه ویس و رامین می‌توان برداشت کرد، این است که شاعر از بیشتر علوم زمانه خود بهره‌مند بوده و در آغاز منظومه، به معانی فلسفی و کلامی درباره توحید یزدان و خلق جهان اشاره می‌کند.

بخشی از معانی بیت‌های منظومه با برخی از اشعار و امثال عربی مطابقت دارد، از این رو می‌توان گفت که فخرالدین گرجگانی مانند همه دانشمندان معاصر خود، به ادبیات عرب احاطه داشته است.

شاعر در نجوم نیز دست داشته و در گفتاری که در توصیف شب پرداخته، اصطلاحات علمی نجوم را با دقت تمام آورده و هر یک از صورت‌های فلکی را در جای خویش ذکر کرده و خصوصیات هر یک را چنان که در علم نجوم آن زمان رواج داشته، بازگو کرده است.<sup>۱</sup>

صادق هدایت معتقد است که «از آنجا که شاعر اشاره به افسانه عمر می‌کند که خاک او را به خود نگرفته و در خواب «سبزپوش» ظاهر می‌شود، می‌رساند که شیعه بوده است:

تن من گر بدین حسرت بمیرد      به گیتی هیچ گورش نه پذیرد

به خواب اندر فراز آمد سروشی      جوانی خوبرویی سبزپوشی<sup>۲</sup>

فخرالدین اسعد گرجگانی در شعر ظاهراً فخری تخلص می‌کرده، چون فرهنگ‌ها هر جا که اشعاری از او نقل کرده‌اند، او را «فخری گرجگانی» نامیده‌اند. از جمله شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعارالعجم درباره بحر هزج می‌گوید: «خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای و ویس و رامین فخری گرجگانی بر این وزن است». سپس می‌گوید: «نظامی و فخری که خسرو و شیرین و ویس و رامین را بر این وزن به نظم آورده‌اند، هیچگاه فاعلاتن به جای مفاعیلن نیاورده‌اند». همچنین فریدالدین احوال اسفراینی، شاعر معروف قرن هفتم نیز او را فخری گرجگانی نامیده است.

۱. همان مآخذ، ص ۱۲-۱۳.

۲. هدایت، صادق، نوشته‌های پراکنده، تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۸۸.



اما به هر حال، تخلص فخری در خود منظومه ویس و رامین نیست.<sup>۱</sup>

از آثار شاعر غیر از منظومه معروف ویس و رامین خبر دقیقی نداریم. عوفی در *لباب‌الالباب* یک قطعه از اشعار او را که در هجو شخصی به نام *ثقه‌الملک* شهریار است، آورده است. در *مونس‌الاحرار* نیز یک غزل به نام او ثبت شده است با این مطلع:

ای سنگدل ندانی وز من خبر نداری      کاندلر بلای عشقت چون گشته‌ام به زاری

یک رباعی نیز در سفینه‌ها به نام او آمده است:

باز از نفسم بوی جنون می‌آید      وز طاقتم این درد فزون می‌آید<sup>۱</sup>

بر حرف دلم گر نهد انگشت کسی      خون دل از آن حرف برون می‌آید<sup>۲</sup>

در داستان ویس و رامین تا وقایع سال ۴۴۶ ه. ق. که طغرل شهر ملاذگرد را در محاصره گرفته بود و هدایای پادشاه شام بدو تقدیم می‌شد، ملاحظه می‌شود و از همین نکته هم به خوبی برمی‌آید که وفات شاعر بعد از سال ۴۴۶ ه. ق. اتفاق افتاده است.<sup>۳</sup> مینوی معتقد است که فخرالدین لاقل تا حدود ۴۶۰ و ۴۷۰ ه. ق. می‌زیسته است.<sup>۴</sup>

ممدوحان شاعر سه تن از معاصران او بودند:

۱. سلطان ابوطالب طغرل بیک، نخستین پادشاه سلسله سلجوقی.

۲. خواجه عمادالدین عمیدالملک ابونصر منصور بن ابوصالح محمد کندی جراحی، وزیر

۱. رک. همان مآخذ، ص ۱۳.

۲. همان مآخذ، ص ۱۴.

۳. صفاء ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۱، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۴. مینوی، *مجتبی*، "ویس و رامین"، *مجله سخن*، سال ۶، ش ۱.

معروف او (۴۱۵-۴۵۶ ه. ق.) که مردی دانشمند و کارآمد و باتدبیر بود و معروف‌ترین وزیر طغرل به شمار می‌رفت تا جایی که گروهی از مورخان او را نخستین وزیر طغرل بیک پنداشته‌اند.<sup>۱</sup>

۳. خواجه عمید ابوالفتح مظفر بن محمد نیشابوری که ویس و رامین به فرمان او سروده شده است. از زندگی این شخص آگاهی کم است. مینورسکی او را همان ابوالفتح مظفر حکمران اصفهان از جانب طغرل پنداشته است. اما به نظر دکتر محجوب به سختی می‌توان این دو را یکی گرفت. او در سنین جوانی، تقریباً ده سال پس از سروده شدن ویس و رامین از جهان رخت بر بسته است.<sup>۱</sup>

## ۲. بررسی منابع

محمد عوفی در کهن‌ترین تذکره فارسی معروف به *لیاب الالباب*، آورده است: *الحکیم الکامل فخرالدین اسعدالجرجانی*. فخرالدین جرجانی که از امثال شعرای جهانست، خاطر او که به دُرر معانی لطیف محیط بود، غیرت قلم و محیط بود، کمال فضل و جمال هنر و غایت ذکا و ذوق شعر او در تألیف کتاب *ویس و رامین* ظاهر و مکشوف شده است، «و از اشعار او جز *ویس و رامین* دیگر مطالعه نیفتاد جز یک قطعه».<sup>۲</sup>

مطالبی که دولتشاه سمرقندی در تذکره خود درباره *ویس و رامین* آورده موثق نیست. او در شرح حال نظامی عروضی (چاپ لیدن، ص ۶۰) گفته است: «داستان *ویسه و رامین* را به نظم آورده

۱. محجوب، همان ماخذ، ص ۱۵-۱۶.

۲. *لیاب الالباب*، ص ۴۱۷، به نقل از محجوب، همان ماخذ، ص ۸.

و گویند که آن داستان را شیخ بزرگوار نظامی گنجوی نظم کرده قبل از خمسه... و این بیت از داستان ویسه و رامین که از نظم نظامی عروضی است آورده می‌شود تا وزن ابیات آن نسخه معلوم باشد.

بیت:

از آن گویند آرش را کمانگیر که از آمل به مرو انداخت او تیر

و هنگامی که از نظامی گنجوی سخن می‌گویند، باز در این باره اظهار نظر می‌کند: «شیخ قبل از خمسه در اوان شباب داستان ویسه و رامین را به نام سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه به نظم آورده و بعضی گویند آن را نظامی عروضی نظم کرده». اظهار نظر دولت‌شاه آنقدر پریشان و دور از واقع است که نیازی به رد کردن آن نیست. زیرا شاعر به صراحت در مقدمه کتاب خویش از سلطان ابوطالب طغرل بیک و وزیر معروف وی عمادالدین عمیدالملک ابونصر منصور بن ابوصالح محمد کندری نام می‌برد و آنان را می‌ستاید و به حوادث تاریخی دوارن طغرل اشاره می‌کند.<sup>۱</sup>

در قرن ششم هجری، عطار نیشابوری در *الهی‌نامه* حکایتی از فخرالدین اسعد گرگانی درباره علت سرودن ویس و رامین نقل می‌کند. در این حکایت آمده که پادشاهی «پیش‌بین» در گرگان می‌زیست که «نیکو طبع و پاک‌دین» بود و فخر گرگانی را به خدمت گرفت تا مداح او باشد. این پادشاه غلامی داشت زیبا رو که فخر گرگانی مجذوبش شد. پادشاه در حال مستی چون این حال او را دید، غلام را بدو بخشید. اما بعد که هشیار شد، غلام از او باز گرفت و فخر دیوانه و سرگشته

<sup>۱</sup> . محجوب، همان ماخذ، ص ۸-۹.

چو عشق از حد بشد با درد خود ساخت.<sup>۱</sup>

این داستان چندان صحت ندارد و صرفاً درباره علت سروده شدن منظومه ویس و رامین آورده شده است، اما به نظر استاد محمد جعفر محجوب، «صحت انتساب ویس و رامین به فخرالدین گرگانی از آن برمی آید و از این جهت مؤید گفتار عوفی و امین احمد رازی و صاحب کشف الظنون و مجمع الفصحایست.<sup>۲</sup>

شمس قیس رازی نیز در کتاب المعجم فی معاییر اشعارالعجم، به فخرالدین گرگانی و منظومه اش اشاره کرده است و گفته که نظامی و فخری خسرو و شیرین و ویس و رامین را به وزن بحر هزج سروده‌اند. فریدالدین احوال اسفراینی، شاعر معروف قرن هفتم هجری نیز گفته است:

شود در وصف تو عاجز شود در نعت تو مضطر      شود در مدح تو خیره چنان کز شعر من حیران

یکی مختاری غزنی دوم فردوس طوسی      سوم فخری گرگانی چهارم شاعر شروان<sup>۳</sup>

منظومه ویس و رامین به احتمال در آغاز قرن سیزدهم میلادی، در حدود صدوپنجاه سال پس از نظم آن به فارسی، به زبان گرجی ترجمه شده است. این ترجمه را که کمی خلاصه شده، اما کاملاً با اصل فارسی منطبق است، به سرگیس تموگولی،<sup>۴</sup> معاصر ملکه تامار<sup>۵</sup> (۱۱۸۴-۱۲۱۳ م). نسبت داده‌اند. ترجمه گرجی «ویس رامین» را سِر اولیور<sup>۶</sup> واردراپ<sup>۶</sup> در ۱۹۱۴ به انگلیسی ترجمه

۱. عطار نیشابوری، الهی نامه، چاپ استانبول، ۱۹۴۰، ص ۱۰۳-۱-۷.

۲. محجوب، همان مآخذ، ص ۱۱.

۳. نفیسی، سعید، تعلیقات لیل الالباب، ص ۷۰۹، به نقل از محجوب، همان مآخذ، ص ۱۳.

3. Sargis Tmogveli
4. Tamar
5. Sir Oliver Wardrap